



Analyzing Metamorphosis of Urban Spaces in Historical and Cultural Texture of Tabriz Metropolis According to Contemporizing Approach with the Emphasis on Preserving Historical Identity¹

Karim Bagheri¹, Rasoul Darskhan^{2,*} and Mohammad Raza Pourmohamadi³

¹ PhD student in Urbanism, Department of Urbanism, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University of Tabriz, Tabriz, Iran

² Associate Professor in Urbanism, Department of Urbanism, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University of Tabriz, Tabriz, Iran

³ Associate Professor in Urban Planning, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Geography and Environmental Sciences University of Tabriz, Tabriz, Iran

* Corresponding Author, darskhan.s@gmail.com

ARTICLE INFO ABSTRACT

UPK, 2022

VOL. 5, Issue 4, PP, 261-279

Received: 22 Sep 2020

Accepted: 19 Nov 2021

Research article

KEYWORDS:

Metamorphosis,
Contemporization,
Historical-Cultural Context,
Identity, Tabriz Metropolis

Background: What necessitates the contemporaryization of the historical contexts of the cities in the process of urban metamorphosis is related to the urban transformations. They usually impose harmful effects on the historical context of the cities over time, and therefore, they are the convincing reasons for using contemporaryization approach as a reaction against urban transformations. The historical context of Tabriz city symbolizes its identity and heritage of several thousand years. In the contemporary era, on the one hand, with the emergence of new needs and functions, and on the other hand, with the emergence of a desire for transformations, the city has undergone fundamental changes in the identity and function of its historical spaces. Its historical spaces have undergone fundamental changes.

Objectives: The present study investigates the role of contemporaryization components in the process of urban transformation related to the historical-cultural context of Tabriz metropolis, emphasizing identity preservation.

Methodology: The research method of the present study is descriptive-analytical. The collected data was analyzed by Durbin-Watson and Kolmogorov-Smirnov tests. In order to rank the components, ranking and diamond analysis based on promethee method were administered.

Results: By using the most comprehensive decision-making systems with multiple criteria by determining the share of each of the effective factors in the modernization of the historical context through detailed and general ranking using software facilities, very appropriate analyzes are provided for the decision maker. A theoretical model can be achieved to promote theoretical knowledge in the field of contemporary design.

Conclusion: The obtained results revealed that all of the considered components influenced the contemporaryization of historical context of Tabriz metropolis in close relationship with each other but with different impact coefficient. The physical and economic components are in high priority in relation to the other components. Based on the experiences gained from the present study, the following strategies are proposed: investigating and studying the obstacles of contemporaryization of historical contexts and...

Highlights:

Due to study gaps, especially in the field of metamorphosis of urban spaces of historical context based on contemporaryization approach, the need for such studies gains significance for developing physical, economic, social and cultural strategies in contemporary urban spaces.

Urban Metamorphosis cause substantial differences in the shape and nature of urban spaces. Deficiency in understanding this concept leads to lack of desired coherence and intellectual foundations in planning and design of urban spaces

Cite this article:

Bagheri, K., Darskhan, R., & Pourmohammadi, M. (2022). Analyzing metamorphosis of urban spaces in historical and cultural texture of Tabriz metropolis according to contemporizing approach with the emphasis on preserving historical identity. *Urban Planning Knowledge*, 5(4), 261-279. <https://dx.doi.org/10.22124/upk.2021.17749.1574>

تحلیل دگردیسی فضاهای شهری بافت تاریخی - فرهنگی کلان شهر تبریز با رویکرد معاصر سازی با تأکید بر حفظ هویت تاریخی^۱

کریم باقری^۱، رسول درسخوان^{۲*} و محمدرضا پورمحمدی^۳

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد تبریز، ایران

۲. استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد تبریز، ایران

۳. استاد گروه برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، ایران

* نویسنده مسئول: darskhan.s@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>دانش شهرسازی، ۱۴۰۰ دوره ۵، شماره ۴، صفحات ۲۶۱-۲۷۹ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۸ مقاله پژوهشی</p>	<p>بیان مسئله: آنچه معاصر سازی بافت های تاریخی شهرها را در فرایند دگردیسی شهری ضروری می کند، دگرگونی های شهری هستند که معمولاً اثرات ناگوار بر بافت تاریخی شهرها در طی زمان وارد می کنند و قاعدتاً دلیل مجاب کننده به کارگیری رهیافت معاصر سازی عکس العمل در قبال دگرگونی ها شهری می باشد، بافت تاریخی شهر تبریز که نماد هویت چند هزارساله آن است، در دوران معاصر از یک سو با پیدایش نیازها و عملکردهای جدید و از سوی دیگر با پیدایش تمناهایی برای دگرگونی ها، هویت و کارکرد فضاهای تاریخی آن دچار دگرگونی اساسی شده است.</p> <p>هدف: این پژوهش، نقش مؤلفه های معاصر سازی را در جریان دگردیسی شهری در عرصه بافت تاریخی - فرهنگی شهر، با تأکید بر حفظ هویت مورد تحلیل قرار می دهد.</p> <p>روش: روش تحقیق پژوهش حاضر، تحلیلی - توصیفی است. تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های کالومگراف اسمیرونف و دوربین - واتسون انجام گرفت. جهت رتبه بندی مؤلفه ها از تحلیل رنکینگ و الماس بر اساس روش پرامتی بهره گرفته شد.</p> <p>یافته ها: با بهره گیری از جامع ترین سیستم های تصمیم گیری با معیارهای چندگانه از طریق تعیین سهم هر یک از عوامل مؤثر در معاصر سازی بافت تاریخی از طریق رتبه بندی جزئی و کلی با استفاده از امکانات نرم افزاری، تحلیل های بسیار مناسبی برای تصمیم گیرنده مهیا می شود که از این طریق در جهت ارتقای دانش نظری در حوزه معاصر سازی می توان به یک مدل نظری دست یافت.</p> <p>نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر نشانگر آن است که تمام مؤلفه های در نظر گرفته شده، در ارتباط تنگاتنگ باهم، اما با ضریب تأثیر متفاوت از هم در معاصر سازی بافت تاریخی کلان شهر تبریز دخالت دارند و مؤلفه کالبدی و اقتصادی در اولویت بالایی نسبت به بقیه مؤلفه ها قرار گرفته است. با توجه به تجارب برگرفته از انجام این پژوهش، بررسی موانع معاصر سازی بافت های تاریخی، ایجاد عملکردهای نسبتاً فعال در بافت و... از جمله راهکارهای پیشنهادی می باشد.</p>

نکات برجسته:

با توجه به خلاء های مطالعاتی خصوصاً در زمینه دگردیسی فضاهای شهری بافت های تاریخی با رویکرد معاصر سازی، ضرورت چنین مطالعاتی جهت راهبردهای کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری معاصر اهمیت می یابد.
دگردیسی شهری باعث ایجاد تفاوت های ماهوی در شکل و ماهیت فضاهای شهری می شود. عدم درک این مفهوم، سبب می شود که برنامه ریزی و طراحی فضاهای شهری انسجام و بنیان های فکری مطلوب نداشته باشد.

بیان مسئله

دگردیسی مفهوم شهر، دگردیسی حافظه جمعی شهر است که آرام و پیوسته، با دگرگونی شهر، تخریب‌ها و جان‌سپینی فضاها و مکان‌های شهر در طول زمان رخ می‌دهد (حبیبی، ۱۳۹۴). نگاه به تحولات شهرها حکایت از آن دارد که روند دگردیسی‌های شهری، از اواسط قرن بیستم میلادی، شدت و سرعت بالایی داشته و تغییرات تدریجی، جای خود را به تغییرات ناگهانی پیش‌بینی نشده و بدون بازگشت داده است. بر مبنای دگردیسی در کلیت ساختار شهر، فضاهای عمومی شهری نیز دچار تغییراتی می‌شوند. چگونگی اثرگذاری فضاهای شهری در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، دگرگونی‌های فرهنگی شهرها و تأثیر متقابل این تغییرات در ماهیت فضاهای عمومی در طول زمان مسئله‌ای حائز اهمیت است (نایرین، دگروس، مدنی پور، ۲۰۱۳: ۱۰). این موضوع در شهرهای تاریخی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، چراکه دگرگونی باعث ایجاد تفاوت‌های ماهوی در شکل و ماهیت فضاهای شهری می‌شود. دگردیسی فضاهای شهری می‌تواند به‌نوعی تبدیل به یک چالش شود و عدم درک این مفهوم، سبب می‌شود که برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری انسجام و بنیان‌های فکری مطلوب نداشته باشد (آزرم، رنجبر، مارتی کازانواس، ۱۳۹۸). در دهه‌های اخیر رشد شتابان شهرنشینی، تنگناها و پیچیدگی‌هایی را به همراه داشته است، از پیامدهای این پدیده، شدت یافتن ضرباهنگ تغییر فضایی، کالبدی شهرها به‌طور اعم و بافت‌های کهن و اصولاً بخش‌های مرکزی شهرها به‌طور اخص بوده است که اغلب سبب نابسامانی در سازمان فضایی - کالبدی، زوال اقتصادی و ناکارآمدی کارکردی در این محدوده‌ها شده است (بحرینی، ایزدی و مفیدی، ۱۳۹۳). به‌عبارتی دیگر، رابطه متقابل شتاب تغییرات و دگردیسی شهرها مختل شده و رابطه متقابل بافت تاریخی شهری و شرایط اجتماعی، به‌گفتگوی هر کدام منجر شده است، حاصل این ناهماهنگی، بحران هویت برای ساکنان بوده است (لیچفیلد، ۲۰۰۰: ۱۰۸). در حوزه شهر هویت به تداوم تاریخی شهر مطابق با تغییرات و نیازهای جدید معنی می‌شود که در آن همه زمینه‌های وجودی شهر شامل کالبد، فعالیت و معنا حضوری متعامل دارند. مؤلفه‌های سازنده هویت شهر، لزوماً نوع یا گونه خاصی از ویژگی‌ها و عناصر شهری از قبیل ویژگی‌های ظاهری شهر یا صفات ساختاری آن نیستند، بلکه همه مؤلفه‌های برآمده از زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی کالبدی و فرهنگی شهر به‌شرط تداوم می‌توانند هویت‌ساز باشند (پریول، ۲۰۰۶).

بافت‌های تاریخی، از جهت اقتصادی، دارای امکانات بالقوه‌ای اعم از زیرساختی و روساختی، از جهت فرهنگی، یادگاری از تاریخ پیشین، از جهت اجتماعی، بخشی از جامعه و ضامن تداوم زندگی انسان‌ها و از جهت کالبدی، دارای ارزش‌های معماری و شهرسازی یکتایی هستند (وزارت مسکن و شهرسازی و شرکت عمران و بهسازی، ۱۳۸۲: ۱۲). از این‌رو در جریان این دگردیسی، مداخله در بافت تاریخی - فرهنگی شهرها به یکی از مسائل اساسی نظام برنامه‌ریزی کشورهایی که دارای پیشینه‌ای غنی از شهرنشینی بوده‌اند، تبدیل گشته است. در راستای این مداخله، معاصر سازی، بینش و عملی جامع و یکپارچه است که تمایل به بهبود مداوم در شرایط اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی ناحیه‌ای را دارد که در معرض تغییر قرار گرفته است (سایکزو روبرتز، ۲۰۰۰: ۱۷)؛ عزیزی و آراسته، ۱۳۸۹). در شهرهای کنونی عدم شناسایی و به‌کارگیری شیوه‌های متنوع معاصر سازی در زمینه‌های خاص منجر به بروز مشکلات و نزول کیفیت این بافتها در دهه‌های اخیر گردیده است. از جمله مسائل و مشکلات بافت‌های تاریخی می‌توان به خروج ساکنان اصیل از بافت، حضور مهاجران، کیفیت محیطی پایین فضاهای شهری، عدم تأمین نیازهای زندگی معاصر، رواج کاربری‌های ناسازگار با ارزش‌های فرهنگی بافت، مشکلات ترافیکی، تخریب بناهای واجد ارزش معماری و... اشاره کرد (فرخ زنوزی، ۱۳۸۰). در گذشته مرمت شهرها به‌عنوان یکی از ارکان پویایی شهر، متداوم بوده و مردم و مدیران شهری جملگی در مسیر این پویایی گام می‌نهادند. تحولات و دگرگونی‌های شهر نیز در راستای تکامل شهر و مبتنی بر سازمان فضایی موجود آن بود (ایزدی، ۱۳۸۰). اما در دوران معاصر به علت عدم شناخت ظرفیت‌های موجود در آن‌ها و برخورد کالبدی با فرسودگی‌های ناشی از قدمت بناها، ناکارآمدی معابر و تأسیسات شهری‌شان در بسیاری موارد صرفاً به‌عنوان معضلات شهری شناسایی شده‌اند و سیاست تخریب و بازسازی در مواجهه با آن‌ها در پیش گرفته شد، علت این گرایش در بسیاری موارد جاه‌طلبی‌های حاصل از معماری و شهرسازی مدرن بود (حناچی، دیبا و مهدوی نژاد، ۱۳۸۶). این رویکرد، توسعه شتاب‌زده و آسیب‌های ناشی از آن را در نوسازی‌های جدید به همراه داشت.

1 Knierbein, Degros, Madanipour

2 Aazam, Ranjbar, Marty Casanovas

3 Lichfield

4 prevel

5 Sykes, Reberts

بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز هم که نماد و بازگوکننده هویت و میراث چند هزارساله آن است، لیکن آسیب‌شناسی آن در کلان‌شهر تبریز نشان می‌دهد، در دوران معاصر از یک‌سو با پیدایش نیازها و عملکردهای جدید و از سوی دیگر با پیدایش تمنایی برای دگرگونی‌ها، منزلت و کارکرد فضاهای تاریخی آن در اثر عدم هم‌پیوندی‌های مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دچار دگرگونی اساسی شده است، به طوری که این‌گونه دگردیسی‌ها به نحو بارزی در ساختار کالبدی - فضایی این عرصه‌های تاریخی شهر تبریز تجلی یافته است.

با توجه به خلأهای مطالعاتی خصوصاً در زمینه دگردیسی فضاهای شهری بافت‌های تاریخی با رویکرد معاصرسازی، ضرورت چنین مطالعه‌ای اهمیت می‌یابد، تا زمینه‌های مناسبی در جهت مواجهه با چالش‌های معاصر به‌عنوان رویکردی در مدیریت بافت تاریخی ایجاد شود و مفهوم حفاظت و توسعه توأمان، در عین احیاء و روزآمدسازی گردد، باشد که از این طریق بتوانیم پویایی و حیات مدنی را دوباره به این بافت‌ها برگردانده و منظری از شهر را که نتیجه تعامل بین زمان، فرهنگ، اجتماع و کالبد است، به وجود آوریم. پژوهش حاضر برآن است که در جریان دگردیسی فضاهای شهری، نقش هر یک از عوامل و مؤلفه‌های معاصرسازی را هم به‌صورت جداگانه و هم به شکل ترکیبی، در جهت پاسخگویی به نیازهای جدید شهری در عرصه بافت تاریخی - فرهنگی کلان‌شهر تبریز با تأکید بر حفظ هویت مورد ارزیابی قرار داده و از سوی دیگر با تعیین سهم هر یک از عوامل مؤثر در معاصرسازی بافت در جهت ارتقای دانش نظری در حوزه معاصرسازی، به یک مدل نظریه‌ای در این راستا دست یابد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دگردیسی، معادلی است برای کلمه Metamorphosis در انگلیسی، این واژه را می‌توان در فارسی به «استحاله» نیز ترجمه کرد. اما هرچند از دل این واژه، مفهوم تبدیل حالت و گذار از حالتی به حالت دیگر بیرون کشیده می‌شود، اما مفهوم دگردیسی که با تغییر حالت و ضمناً صورتی از تکامل همراه است، به این ترتیب «دگردیسی» بیان‌کننده وجه رمنده‌ای از شهر است که مرمت و حفاظت شهری را در چالشی دائمی قرار می‌دهد. دگردیسی را شاید بتوان به این معنا، برآیند نیروهایی دانست که هر یک به‌نوبه خود، موجب بروز تغییر یا تحول در ساختار کالبدی - فضایی و یا کارکردی شهر می‌گردند (لطفی، ۱۳۹۱: ۳۰). دگردیسی از این منظر در مقابل وجه دیگری از موجودیت شهر قرار می‌گیرد و آن پایایی می‌باشد و این کلمه را فارسی شده واژه Perennality در انگلیسی می‌توان قرار داد، وجهی واجد دوام از شهر است که دستخوش تلاطم و دگردیسی نمی‌گردد و یا نباید گردد، به عبارت دیگر پایایی بیان‌کننده ویژگی اصیل و عصارت شهر است که در آن میل به ابقای بسیاری از ویژگی‌های کالبدی - فضایی و اجتماعی - کارکردی، مرمت و حفاظت شهری را به‌عنوان اهرمی برای نگهداری و مراقبت به کار می‌گیرد. در بیان دوگانه‌ی «دگردیسی» و «پایایی» می‌توان گفت که حتی تا حدود سه دهه قبل، برتری برداشت با دگردیسی شهری بوده است.

همواره برداشتی از مفهوم زمان و زمان‌وارگی وجود داشته و موجودیت شهر نیز با مفهوم زمان عجین بوده است (لاک و پیتسون^۱، ۱۳۹۰: ۹). لینگ مفهوم در زمان بودن را این‌گونه برمی‌شمرد: جاری کردن زمان در بنا، مجموعه و یا بافت شهری همان، حضور زمان در مکان است (شهرآیینی، ۱۳۹۷: ۶۵). با استفاده از مفهوم ماریپیچ زمان وجود «دگردیسی» و «پایایی» در شهر، به شیوه‌ای معنادار قابل توضیح است، در این باره می‌توان از تمثیل «قصه‌ی شهر» کمک گرفت و دگردیسی در صورت و ماهیت را به تغییر و گاهی نو شدن آرایش کالبدی و کارکردی شهر تعبیر نمود. به این ترتیب شهر در دل فرآیندی بطئی دگرگون می‌شود و در هر لحظه از حیات خود، صورت تازه‌ای می‌پذیرد ولی در هر نظر، این صورت به اتکا تمام‌صورت‌های قبلی است که متجلی می‌گردد و به عبارتی، قصه‌ای دیرینه را، هر بار در قالبی نو نقل می‌کند. و در اختیار مخاطبش قرار می‌دهد. به قولی «شهر مکان زندگی زمان» می‌شود (فلامکی، ۱۳۸۴: ۳۶).

دگرگونی شهری فرآیندی ادامه‌دار، بلندمدت، دارای اثرات وسیعی است که یک شهر را در مدت‌زمان طولانی تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند زمینه‌ساز تحولات آتی باشد. دگرگونی شهری در مفهومی، به تغییرات عظیم و زیرساختی در بافت‌های قدیمی و حتی بافت‌هایی که از جریان توسعه شهری عقب‌مانده‌اند و نیازمند اقدامات اساسی و بنیادین در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و فیزیکی هستند و عملکرد خود را از دست داده‌اند، موارد هدف دگرگونی فضایی با رویکردهای مختلف هستند، می‌باشد (یانگ^۲، ۲۰۱۰: ۲۵). هدف دگردیسی شهری ایجاد یک

¹ Lock and Pitison

² Yang

محتوای جدید در بافت و بهبود سلامت اجتماعی است. پروژه‌هایی از جنس دگرگونی شهری، باید یک منبع مالی و اقتصادی برای دولت‌های محلی و گروه‌های ذی‌نفع ایجاد کنند، لذا هدف اصلی این رویکرد، ایجاد تغییرات در همه زمینه‌ها نه تنها در ابعاد کالبدی و فیزیکی، بلکه در ابعاد کلان‌شهری به سمت بازآفرینی اجتماعی، اقتصادی و محیطی است (کاگلا و اینام^۱، ۲۰۰۸: ۴).

حوزه اقدامات دگرگونی پایدار شهری در حد محلی و کوچک‌مقیاس نیست. شهرها تحت تأثیر نیروهای مختلف در یک فرایند دگرگونی قرار می‌گیرند، اما مقاومت و قابلیت تغییرپذیری یک شهر بسته به نیروهای داخلی چون ساختارهای اقتصاد، موقعیت جغرافیایی و نیروهای خارجی وارد بر یک شهر است (گالیرسوی و گیرلیر^۲ ۲۰۱۱: ۱۳). دگرگونی پایدار شهری، مفهومی است که در رقابت با سه عامل اقتصادی، اجتماعی و محیطی می‌تواند شکل بگیرد و در نهایت با توازن عملکردی در این زمینه‌ها به پایداری در همه حوزه‌ها می‌انجامد (یانگو^۳، ۲۰۱۰: ۴۹). با نگاهی جامع به روند دگرگونی‌های شهری در کشورهای مختلف چنین می‌توان برداشت کرد که مؤلفه‌هایی که در نقش نیروهای محرک ایجادکننده تحول در شهرها عمل می‌کنند، به یک فرایند جامع تغییرات شهری متصل هستند. اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که پذیرش تغییر از سوی کاربران فضا یک عنصر کلیدی در پیوستگی تغییرات فضاهای شهری است. شهرهای تاریخی از فضاهای شهری غنی و ارزشمندی برخوردارند که می‌توانند نیروهای محرک و زمینه‌ساز دگرگونی و تغییر باشند. با نگاهی به تجارب کشورهای اروپایی، می‌توان گفت، شهرهایی با بافت تاریخی، دگرگونی‌های خود را از درون همین بافت‌ها آغاز کرده‌اند و در نهایت تغییرات در همه سطوح اقتصادی، اجتماعی را در یک شهر به وجود آورده‌اند لذا در قرن بیستم رویکردهای دگرگونی شهری بیشتر مبتنی بر نوع رویکردها در نحوه برخورد با بافت‌های تاریخی و ارزشمند بود که در این راستا زمینه‌ای را برای مفهوم دگرگونی شهری باز کرد (گالیرسوی و گیرلیر، ۲۰۱۱: ۱۱). جریان معاصر سازی به‌عنوان پیامد و شاید الزامی بر حضور مدرنیته در شهر مطرح شده و فعالیتی است که در دنیای مدرن جامه‌ی عمل می‌پوشد، نوعی واکنش یا پاسخ است و اصولاً به‌مانند جنبه‌های دیگری از جریان شهرسازی (دیوید، دافوس، فورستیر، ۲۰۰۴). بارویکردی پوزیتیویستی و علمی همراه می‌شود. معاصر سازی مطابق با طبیعت جزم‌گرایانه فلسفه پشتیبانی‌کننده آن به‌روزترین نسخه مجموعه‌ای از چاره‌اندیشی‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های شهرسازانه است باهدف روزآمد کردن شهر که عمدتاً در دوره‌های متوالی به شکلی آشکارا و تلویحی، مفهوم نو شدن را متبادر ساخته‌اند. قائل بودن به تطور و دگرذیسی نیز می‌تواند باوجود مفهوم «نوآوری» معنا شود. جدا از جریان طبیعی و ازلی تکامل و دگرذیسی، گونه‌ای از تطور با رویارویی‌هایی اندیشگی و جهشی‌های سبکی شگرف همراه بوده، نشأت گرفته از همین مفهوم است (جهانبگلو، ۱۳۹۴: ۴). و در ظاهر، معاصر سازی سبب محو یا کنار گذاشته شدن صور کهنه بسیاری واقعیت‌ها از جمله مرمت و حفاظت شهری بوده است. معاصر سازی در هر مقطع زمانی، آمیزه‌ای از تمام دستاوردهای دوره‌های پیشین شناخته می‌شود، به‌علاوه ویژگی‌هایی که از همان مقطع به آن منتقل گردیده است، این واقعیت را در حیطه‌ی فلسفه علم "انباشت منقطع" می‌خوانند، با این معنا دگرذیسی هم در شهر و هم در معاصر سازی شهری با جلوه‌هایی نو، آثاری از جلوه‌های قبلی هموار است و همین نکته سبب شکل دادن به پیچیدگی و جذابیت محیط شهری می‌شود.

همگرایی دگرذیسی و پایایی

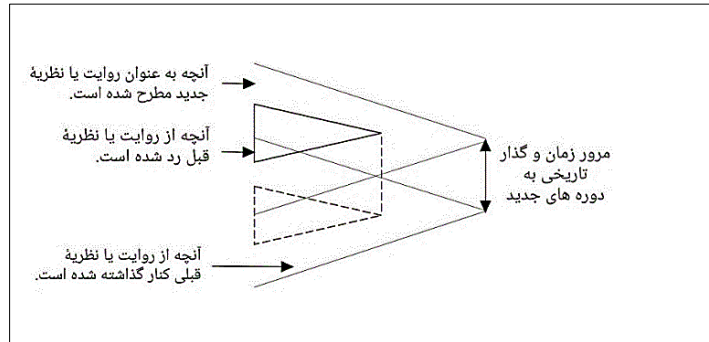
دو نگاه عمودی و افقی به مرمت و حفاظت شهری وجود دارد، نگاه اول، بازنمایاننده پایایی و نگاه دوم نشان دهنده دگرذیسی و گذار مدام میان زمانه‌هاست. در هر مقطع لحظه‌ای و حضوری هست. تلفیق این دو نگاه، نشان دهنده حضور توأمان پایایی در عین دگرذیسی و بیان‌کننده نوعی واقع‌گرایی در مرمت و حفاظت شهری است. با نگاهی افقی به ماریچ، تداومی از دگرذیسی شهر چهره می‌نمایاند و گذاری مدام از هر زمانه به زمانه دیگر پدیدار می‌شود. این گذار و تداوم، همچنان به‌سوی زمانه‌ای دیگر در حرکت است و چرخه دگرذیسی نیز همواره ادامه دارد. به‌این‌ترتیب پایایی و دگرذیسی حضوری توأمان در شهر دارند و وجود هر کدام، نه تنها ناقض حضور دیگری نیست، که به تعبیری لازمه آن است. رویکردهای مرمت و حفاظت شهری تاکنون هم، حاصل برهم نهاد دستاوردهای به‌جامانده از زمانه‌های قبلی، و هم نتیجه عبور زمانه‌ها و دگرذیسی شهر بوده‌اند (شکل ۲).

¹ Cagla and Inam

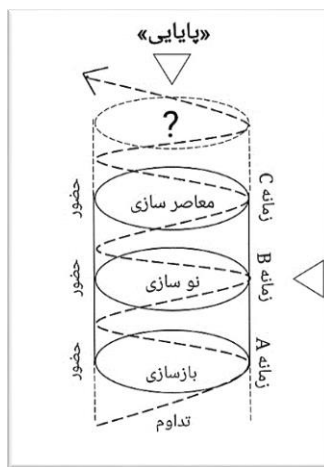
² Gülersoy and Güler

³ Yang

⁴ David, Daffos & Forestier

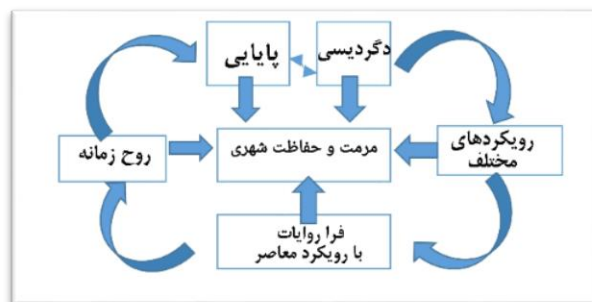


شکل ۱. انباشت منقطع در حوزه مرمت و حفاظت شهری



شکل ۲. دو نگاه عمودی و افقی به مرمت و حفاظت شهری

سرانجام به نظر می‌رسد که تعادلی در این دوگانگی پدید آمده باشد. در این تعادل، شیوه برداشت، نه خطی است و نه مستدیر، بلکه تلقی ماریچی از زمان، سبب پدید آمدن نوعی پویایی در حفظ و نگهداری از فضاها و عناصر کالبدی شده است. به عبارت دیگر، در عین پرداختن مرمت و حفاظت سبب تثبیت پایایی است، می‌توان مفهوم زمان در گذر را نیز در مرمت وارد کرد، و به نیاز زمانه و مقتضیات جریان دگردیسی پاسخ گفت. این حالت، مرمت و حفاظت شهری را به واقعیتی فعال و نه انفعالی تبدیل ساخته است.



شکل ۳. چهارچوبی مفهومی - نظری برای مرمت و حفاظت شهری

نمود هویت شهر در پیکره ساختار تاریخی آن

هویت به‌عنوان هدفی بلند مطرح است، هویت بخشی به بافت، و به بیان بهتر، تجلی کالبدی و عینی همه ارزش‌های معنوی مستتر در شهر و عامل شکل‌دهنده‌ی آن است (نقی زاده، ۱۳۹۳). به‌طور کلی هویت فضای شهری را می‌توان در سه بعد شکلی، معنایی و اجتماعی شهر بررسی کرد: ابعاد شکلی هویت شهر دربردارنده بافت کالبدی و ساختار مکانی - کالبدی شهری است. ابعاد معنایی آن در واقع یکی از معیارهای هفت‌گانه‌ای است که کوین لینچ در نظریه شکل خوب شهر مطرح می‌کند. به باور لینچ معنای شهر تنها در محدوده کالبدی و معنی نقشه آن نیست بلکه شهر بر پایه زندگی ساکنان آن، دیدگاه آنان نسبت به شهرشان و زندگی شهری معنا می‌یابد و درنهایت در بیان ابعاد اجتماعی هویت شهری می‌توان گفت، اساساً هویت شهری توسط فرهنگ شهری و خرده‌فرهنگ‌های متعلق به آن در بستر تاریخ و در دل ساختار اجتماعی وسیع‌تری که جامعه را دربرمی‌گیرد و در روند تحولات اقتصادی و سیاسی آن شکل می‌گیرد (قلعه‌نویی و کلانتری، ۱۳۹۲). شهرهای تاریخی یک ترکیب غنی از اجتماع، فرهنگ، معماری و ارزش‌های میراث تاریخی هستند (کریتنقا و تروماران، ۲۰۱۸: ۲). بافت‌های تاریخی هر شهری، نمودی از پیشینه، قدمت و نوع زندگی مردمان آن در گذار زمان هستند که حفظ این میراث کهن، درواقع ارزش قائل شدن به تمدن دیرینه‌ای است که در آن سرزمین هویدا گشته و بنیان زندگی را در آن بنا نهاده است و جاری نگاه‌داشتن حیات در آن‌ها، سبب حفظ هویت شهر و استمرار آن در گذار زمان خواهد بود، از سویی این آثار به‌مثابه اسناد قابل پژوهش تاریخی هستند که با مطالعه، بررسی و شناخت علمی آن‌ها می‌توان به لمحاتی از هویت و سیرت واقعی شهر پی برد، و نیز به برخی دیگر از حقایق تاریخی و فرهنگی دست‌یافت، بر مدار این سخن، هر محققى بخواهد درباره وجه یا وجوهی از بافت تاریخی ایرانی اظهار نظر نماید، لازم است که پیشتر نسبت بدان کسب معرفت نموده و مراحل تاریخی تطور و تحول آن را شناخته باشد. بدین سبب است که در دکترین‌های نوین حفاظت معماری، شناخت تاریخچه و پیشینه کالبدی یک اثر، پیش‌نیاز هر نوع اقدام عملی در آن است (فیلدن و یوکیلتو، ۲۰۰۳). سرشت این توصیه، متوجه معرفت نسبت به لایه‌های تاریخی شهر و درک دلایل تحول کالبدی آن در ادوار تاریخی نیز می‌باشد.

برخی از مهم‌ترین منابع مرتبط و پژوهش‌های انجام گرفته در ارتباط با موضوع مورد بررسی را می‌توان به شرح زیر برشمرد: ایزدی (۲۰۰۸) در رساله‌ی دکتری خود تحت عنوان "یک مطالعه در مورد بازسازی مرکز شهر، تحلیل مقایسه‌ای از دو روش مختلف، ایجاد یک رویکرد متعادل و برخورد مناسب با محیط تاریخی برای احیای مراکز تاریخی شهر در ایران" جهت حل مشکلات بافت‌های تاریخی توسعه مشارکت محلی نوآورانه، مشارکت مقامات محلی، تصویب یک رویکرد یکپارچه بازسازی، توانمندی را پیشنهاد می‌کند. حبیبی (۱۳۹۴) در مقاله "دگردیسی و پایایی شهر و مفهوم آن" تجربه انسان شناسانه شهر را روایت مدنیت شهری می‌داند، مدنیتی تبلور یافته در فضا و مکان همراه با دگردیسی مداوم و آرام یا شتابان فضای شهری، مدنیتی حاکی از پایایی شهر و مفهوم آن. نصیری نیا و حجت (۱۳۹۵) در مقاله "تأملی بر تحولات ساختاری معاصر شهر تبریز و تأثیر آن بر هویت شهر تبریز" چنین عنوان کرده‌اند: تحولات ساختاری معاصر تبریز، سبب جدایی عرصه‌های تاریخی از جریان زندگی شهر شده است که می‌بایست با تقویت جایگاه عرصه‌های تاریخی، موجبات پویایی آن‌ها مهیا شود تا توانایی حضور شایسته در ساختار شهر معاصر را به‌دقت آورند، چراکه این عناصر تشکیل دهنده هویت تاریخی شهرند که از میان رفتنشان درواقع از میان رفتن بخشی از هویت تاریخی شهر است. "نابین، دگروس و مدنی پور (۲۰۱۳) در کتاب "فضای عمومی و چالش‌های دگرگونی شهری در اروپا" معتقدند جهت تغییر فضاهای شهری باید از طریق رشد هوشمند، توسعه‌های مبتنی بر دانش و خلاقیت و نوآوری و رشد پایدار اقدام نمود. آزر، رنجبر و مارتی کازانواس^۳ (۱۳۹۸) در مقاله "کندوکاوی در ماهیت دگرگونی فضاهای شهری در شهرهای تاریخی ایران، مورد مطالعه: شهر اصفهان" از مهم‌ترین نیروهای مؤثر در تغییر فضاهای شهری را حکومت، دولت، مردم، رویداد، فناوری، محیط و زمان یاد می‌کنند، همچنین بر اساس تحلیل دگرگونی‌های کلان ساختار اصفهان در گذشته، روند تغییرات عمدتاً در مرکز شهر متمرکز بوده است. درحالی‌که در دهه‌های اخیر، مناطق تاریخی شهر تغییرات سریع و مقطعی را تجربه کرده‌اند.

¹ Kiruthiga & Thirumaran

² Philden & Yokilto

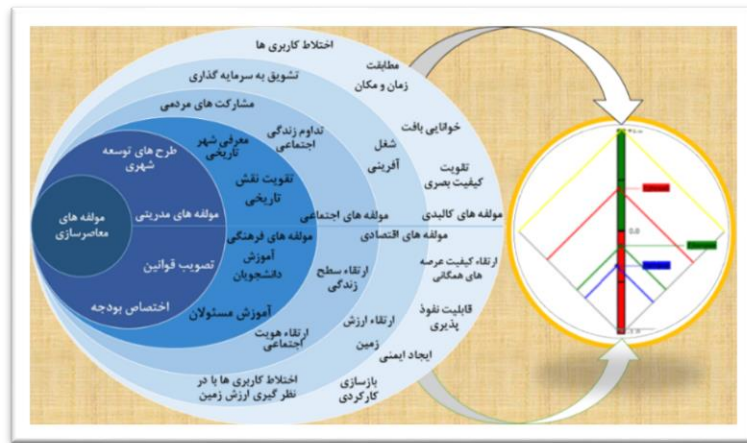
³ Marti Casanovas

جدول ۱

مؤلفه‌های معاصر سازی فضاهای شهری بافت تاریخی در فرآیند دگردیسی فضاهای شهری

اختلاط کاربری‌ها	(کانزن، ۱۹۹۶) ^۱
تزریق عملکردهای معاصر بدون تغییرات کالبدی در بافت	(جوکیتو، ۱۹۹۲) ^۲
حفظ و خوانایی بافت تاریخی	(پندلبری، ۲۰۰۵) ^۳
ارتقاء کیفیت بصری و بهبود سیما و منظر	(وهبی و لیچفیلد، ۱۹۸۸) ^۴
ایجاد فضاهایی با قابلیت سازگاری با تغییرات آینده	(هوسکارا، ۲۰۰۹) ^۵
قابلیت نفوذپذیری و سهولت دسترسی	(اوکتای، ۲۰۰۵) ^۶
حفاظت و ممانعت از تخریب بافت	(پامیر، ۲۰۰۴) ^۸
بهره‌گیری از زمین‌های بایر در تعریف فعالیت‌های جدید	(تایسدل و تیم هیث، ۱۹۹۴) ^۹
تأمین زیرساخت‌های خدماتی در زیست پذیری منطبقه تاریخی_فرهنگی	(رستمی و زیاری، ۱۳۹۰)
تشویق به سرمایه‌گذاری در جهت معاصر سازی	
اصلاح قوانین و ضوابط مربوطه	(انگیش هریتیج، ۲۰۰۸) ^{۱۰}
تقویت جاذبه‌های توریستی در جهت تأمین منابع پایدار	(اشورث، تانبریج و دوراتلی، ۲۰۰۰) ^{۱۱}
تقویت اقتصاد محلی از طریق عرضه محصولات سنتی	(سیلیویوس، ۱۳۹۶) (تایسدل و تیم هیث، ۱۹۹۴) ^{۱۲}
اصلاح الگوی مالکیت اراضی	
تغییر کارکرد و تزریق فعالیت‌های جدید	
جلب مشارکت مردمی	(ایزدی، ۲۰۰۶) (تیزدل و همکاران، ۲۰۰۶) ^{۱۳}
اعطای تسهیلات بانکی کم‌بهره برای جلوگیری از مهاجرت ساکنین اصیل بافت	(کرنز و فیلو، ۱۹۹۳) ^{۱۴} (بیانچینی و پارکینسون، ۱۹۹۳) ^{۱۵} (دوراتلی و همکاران، ۲۰۰۴) ^{۱۶}
تزریق فعالیت‌های سنتی و مدرن در جلوگیری از گسترش ناامنی و معضلات اجتماعی	(لارخام، ۱۹۹۶) ^{۱۷} (پور سراجیان، ۱۳۹۴) (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۸) (مهدی زاده، ۱۳۸۰)
ارتقاء هویت اجتماعی	
انسجام اجتماعی	
برگزاری جشنواره و رویدادها	(برید و همکاران، ۱۹۹۳) ^{۱۸} (بیانچینی، ۱۹۹۳)
حمایت از هنرمندان بومی و صنایع دستی	(لندری، ۱۹۹۵) ^{۱۹} (اسمیت، ۲۰۰۷) ^{۲۰} (میدلتون و فراستون، ۲۰۰۸) ^{۲۱} (کیمز و فیلو، ۱۹۹۳) ^{۲۲} (پورگل، ۲۰۰۰) ^{۲۳} (اشورث، تانبریج و دوراتلی، ۲۰۰۰) ^{۲۴}
برگزاری همایش‌ها و نشست‌های مرتبط با معاصر سازی بافت تاریخی	
ارائه آموزش‌های لازم به مسئولین ذی‌ربط و شهروندان در برخورد با گردشگران	(کوین، ۲۰۰۵) ^{۲۵} (ریچاردز و پالمر، ۲۰۱۰) ^{۲۶}
تهیه و اجرا طرح‌های توسعه شهری	
تصویب و اعمال قوانین و مقررات شهر سازی مربوط به بافت تاریخی	MCSDD(2004), OPDM(2004)
اختصاص بودجه کافی برای اجرای طرح‌های مصوب بافت تاریخی از طریق شهرداری‌ها	(طاهر خانی و متوسلی، ۱۳۸۵) (جهانگیر، ۱۳۸۵)

- 1 Conzen
- 2 Jokilehto
- 3 Pendelbery
- 4 Vehbi & Lichfield
- 5 Hoskara
- 6 oktay
- 7 Sitte
- 8 Pamer
- 9 Tisdell & Temhiss
- 10 English Heritage
- 11 Ashworth, Tunbridge & Doratli
- 12 Silvia's Tisdell & Temhiss
- 13 Tiesdell, et al
- 14 Kerns & Philo
- 15 Bianchini & Parkinson
- 16 Doratli, et al
- 17 Larkham
- 18 Brid, et al
- 19 Landry
- 20 Smith
- 21 Midleton & freeston
- 22 Keams & Philo
- 23 Bурgel
- 24 Ashworth, Tunbridge & Doratli
- 25 Queen
- 26 Richards & Palmer



شکل ۴. مدل مفهومی عوامل مؤثر در دگردیسی فضاهای شهری بافت تاریخی کلان‌شهر تبریز

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است که به منظور درک و شناخت ابعاد گوناگون موضوع مورد مطالعه، دستیابی به رویکردهای نظری و شفافیت موضوع از شیوه‌های اسنادی و کتابخانه‌ای در آن استفاده شده است، جهت تعیین مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مؤثر در دگردیسی فضاهای شهری منطقه تاریخی - فرهنگی و فهرست بندی زیر مؤلفه‌های آن برای تهیه پرسش‌نامه خبرگان از شیوه دلفی بهره گرفته شده است. دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات از یک گروه متخصصان در مورد یک موضوع یا یک سؤال است (هوسو و سندفورد، ۲۰۰۸). و یا رسیدن به اجماع گروهی از طریق یک سری از راندهای پرسشنامه‌ای با حفظ گمنامی پاسخ‌دهندگان و فیدبک نظرات به اعضای پانل است (کینی، هاسون و مسکینا، ۲۰۰۱). اجرای روش دلفی بدین ترتیب است: شناسایی مسئله و تعریف موضوع، تشکیل تیم اجرایی تحقیق، انتخاب اعضای گروه‌های متخصص به منظور تهیه پرسشنامه زیر نظر کمیته راهبری و کمیته مشاوران پروژه، انتخاب خبرگان و تهیه پرسشنامه (ناظمی، کاشانی، خزایی، علیزاده و حیدری، ۱۳۹۴: ۲۲۰) پس از شناسایی اعضای پانل، مصاحبه‌هایی جهت تعیین مؤلفه‌های مؤثری که در دگردیسی فضاهای شهری بافت تاریخی - فرهنگی کلان‌شهر تبریز دخالت دارند، انجام گرفت. در طی مصاحبه‌ها، مباحث قابل توجهی مورد بحث قرار گرفت و بر اساس آنچه برداشت شد، مصاحبه‌ها به صورت دقیق مطالعه و بازبینی شد، سپس کدگذاری انجام گرفت و در نهایت مؤلفه‌های اصلی دگردیسی فضاهای شهری بافت تاریخی - فرهنگی کلان‌شهر تبریز در قالب ۲۹ معیار و در ۵ دسته اصلی، شامل مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی در پرسشنامه طبقه‌بندی و تدوین شدند. مرحله مهم در انتخاب مؤلفه‌ها، شناسایی مؤلفه‌هایی است که متناسب، قوی و بیانگر آن عامل باشند. چون نقاط قوت و ضعف مؤلفه‌ها بر مبنای کیفیت متغیرهای انتخاب شده تعیین می‌شود، معیار اطمینان از کیفیت متغیرها در پیشینه مرتبط با این مؤلفه‌ها تنوع وسیعی دارد، تاکنون به جرات می‌توان گفت هیچ مجموعه مشخصی از دسته‌بندی‌های نهایی شاخص‌ها برای کمی‌سازی میزان دگردیسی فضاهای شهری بافت تاریخی ارائه نشده است ولی اجماع کلی در جامعه خبرگان انتخابی پژوهش حاضر مبنی بر اینکه این موضوع مفهومی چندجانبه و شامل ابعادی مانند اجتماعی، اقتصادی، نهادی، کالبدی و مدیریتی است، وجود دارد، انتخاب ابعاد و شاخص‌ها بر مبنای تناسب آن با مفاهیم دگردیسی و معاصر سازی، میزان دسترس بودن، میزان حساسیت، قدرت، قابلیت تکثیر و دستیابی به آن‌ها، دامنه، سادگی و ارتباط بین آن‌ها و ابعاد مختلف موضوع تحقیق صورت گرفته است. نتایج حاصل از پرسش‌نامه در قالب آمار توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت. در بخش آمار استنباطی، جهت پاسخ‌دهی به سؤالات پژوهش از روش همبستگی پیرسون با استفاده از آزمون‌های کالموگروف و اسمیرنوف بهره گرفته شد. جهت تعیین روابط کلیه متغیرهای مورد مطالعه با دگردیسی فضاهای شهری از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده گردید و بهره‌گیری از آزمون‌های دیگری چون پرامتی و تحلیل الماس - رنکینگ باعث شد تا محقق به

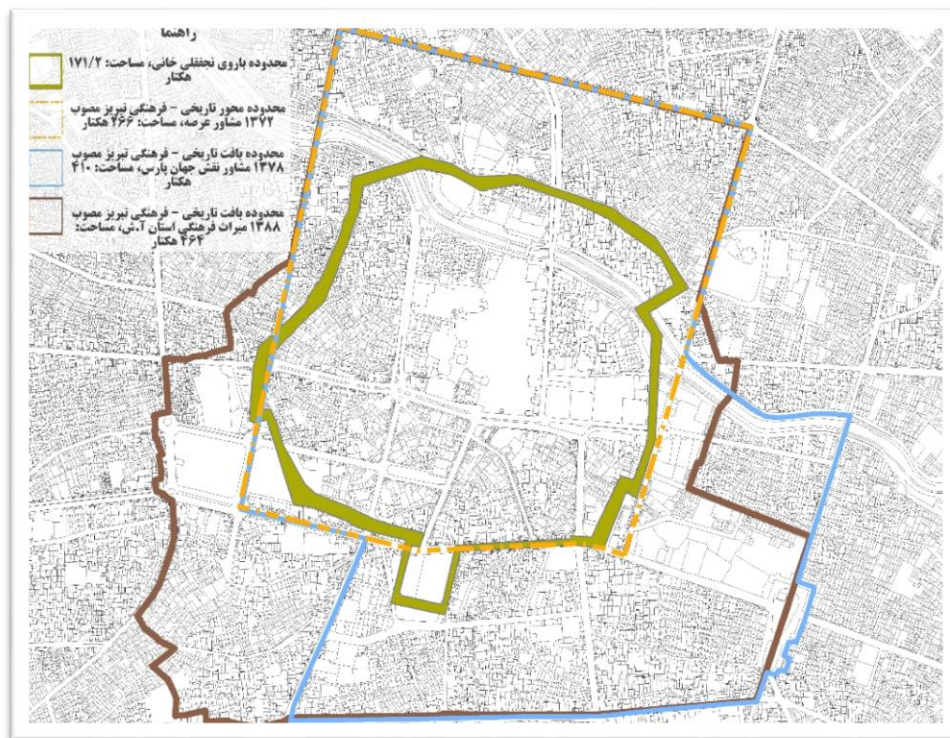
¹ Hsu & Sandford

² Keeney, Hasson & McKenna

نتایج مطلوبی بر اساس اهداف پژوهش دست یابد. تعیین حجم نمونه آماری پژوهش با استفاده از فرمول کوکران (سرای، ۱۳۹۳) برآورد گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر ۳۲ نفر از متخصصان رشته شهرسازی و میراث فرهنگی هستند، در این تحقیق جهت برآورد میزان روایی پرسش نامه از نظر خبرگان مسلط به موضوع پژوهش استفاده شد. همچنین جهت محاسبه پایایی پرسش نامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شد، مقدار آن (۸۷۵٪) هست که بیش از مقدار ۰/۷۰ به دست آمد، در نتیجه پایایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه، بافت تاریخی- فرهنگی کلان شهر تبریز می باشد، مساحت این محدوده ۴۶۴ هکتار است که بازار، محدوده حصار قدیمی شهر، بافت مسکونی، عرصه و حریم مصوب بازار و بخشی از حریم منظر بازار را در برمی گیرد و ۳ درصد از مساحت شهر را شامل می شود (مشاورین نقش محیط، ۱۳۹۷: ۱۷). این منطقه از شمال به خیابان شمس تبریزی، از سمت شرق به خیابان حافظ، از شمال شرقی به ششکلان و ثقه الاسلام و از جنوب به خیابان ۱۷ شهریور جدید و از جنوب غربی به شریعتی و از جانب غرب به خیابان فلسطین محدود می شود. جمعیت بافت تاریخی- فرهنگی کلان شهر تبریز بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر ۲۹۳۸۴ هزار نفر می باشد.



شکل ۵. نقشه منطقه فرهنگی - تاریخی کلان شهر تبریز،
(برگرفته از: مهندسین مشاور نقش محیط، ۱۳۹۷)

یافته ها و بحث

تحلیل داده ها بر اساس نوع طرح انتخابی صورت می گیرد، تحلیل داده های (کمی و کیفی) می تواند به صورت مجزا یا باهم صورت گیرد یا در چند مرحله تکرار شود (مبینی دهکردی، ۱۳۹۰: ۲). جهت تجزیه و تحلیل داده ها، در ابتدا شاخص های توصیفی سؤالات پرسشنامه مورد محاسبه قرار گرفت، در بخش آمار استنباطی پژوهش جهت پاسخ به سؤالات پژوهش از روش ضریب همبستگی پیرسون با پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد مطالعه استفاده شد و در بررسی این پیش فرض از آزمون کالموگروف اسمیرنوف بهره گرفته شد.

جدول ۲

آزمون کالموگروف اسمیرنوف مؤلفه‌های دگرذیسی فضاهای شهری بافت تاریخی

سطح معنی‌دار	Z	ابعاد (دگرذیسی فضاهای شهری بافت)
۰/۲۰۰	۰/۱۰۳	تاریخی
۰/۰۵۱	۰/۱۵۰	مؤلفه کالبدی
۰/۰۵۵	۰/۱۴۵	مؤلفه اقتصادی
۰/۰۶۰	۰/۱۳۵	مؤلفه اجتماعی
۰/۰۷۵	۰/۱۲۰	مؤلفه فرهنگی
۰/۰۵۵	۰/۱۴۵	مؤلفه مدیریتی

پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد مطالعه، محقق شده است، چراکه مقادیر Z محاسبه شده در سطح $p < 0/05$ معنی‌دار نیست.

جدول ۳

همبستگی مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی با دگرذیسی فضاهای شهری بافت تاریخی

متغیرها	۱	۲
دگرذیسی فضاهای شهری بافت تاریخی	۱	
مؤلفه کالبدی	۰/۸۳۷**	۱
مؤلفه اقتصادی	۰/۷۳۵**	۱
مؤلفه اجتماعی	۰/۷۲۱**	۱
مؤلفه فرهنگی	۰/۸۷۰**	۱
مؤلفه مدیریتی	۰/۶۲۴**	۱

** $p < 0/01$

مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد که بین مؤلفه کالبدی و دگرذیسی فضاهای شهری بافت تاریخی ($r = 0/837, p < 0/01$) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین این رقم برای مؤلفه اقتصادی ($r = 0/735, p < 0/01$)، مؤلفه اجتماعی ($r = 0/721, p < 0/01$)، مؤلفه فرهنگی ($r = 0/870, p < 0/01$) با لحاظ اینکه متغیرهای پیش‌بین ما متغیرهای کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی و متغیر ملاک ما دگرذیسی فضاهای شهری بافت تاریخی می‌باشد می‌توان اذعان داشت که مدل رگرسیون با مدل نظری برازش مطلوب دارد، چراکه F محاسبه شده ($0/001$) در سطح $p < 0/01$ معنی‌دار است. به عبارتی، متغیرهای پیش‌بین در قالب مدل رگرسیون قادرند تغییرات متغیر ملاک را به‌طور معنی‌دار تبیین کنند.

جدول ۴

ضرایب استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای پیش‌بین

سطح معنی‌دار	t	B استاندارد	b غیراستاندارد		مدل
			خطای معیار	ضریب معادله	
۰/۰۰۱	۶/۸۷۲	۰/۳۷۴	۰/۰۰۱	۱/۰۰۰	کالبدی
۰/۰۰۱	۳/۹۲۴	۰/۲۰۰	۰/۰۰۱	۱/۰۰۰	اقتصادی
۰/۰۰۱	۴/۸۳۱	۰/۲۳۶	۰/۰۰۱	۱/۰۰۰	اجتماعی
۰/۰۰۱	۵/۳۳۷	۰/۳۲۰	۰/۰۰۱	۱/۰۰۰	فرهنگی
۰/۰۰۱	۳/۰۷۴	۰/۱۴۶	۰/۰۰۱	۱/۰۰۰	مدیریتی

بر اساس مندرجات جدول، مؤلفه کالبدی قادر است در واحد استاندارد (B = ۰/۳۷)، مؤلفه اقتصادی (B = ۰/۲۰)، مؤلفه اجتماعی (B = ۰/۲۳)، مؤلفه فرهنگی (B = ۰/۳۲)، مؤلفه مدیریتی (B = ۰/۱۴) از واریانس دگرذیسی فضاهای شهری بافت تاریخی را به صورت مثبت و معنی دار پیش بینی کند.

جدول ۵

رتبه بندی مؤلفه ها از دیدگاه متخصصان بر اساس آزمون فریدمن

متغیر	میانگین رتبه ها	تعداد	خی دو	درجه آزادی	سطح معنی دار
کالبدی	۵/۰۰				
اقتصادی	۳/۸۰				
اجتماعی	۲/۷۳	۳۲	۱۱۲/۸۰۱	۴	۰/۰۰۱
فرهنگی	۲/۳۸				
مدیریتی	۱/۰۹				

مندرجات جدول جهت تعیین اولویت مؤلفه ها با استفاده از آزمون فریدمن نشانگر آن است به ترتیب مؤلفه های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی بیش ترین نقش را در رابطه با دگرذیسی فضاهای شهری بافت تاریخی کلان شهر تبریز دارند. در پاسخگویی به این سؤال که آیا با تعیین سهم هر یک از عوامل مؤثر در معاصر سازی بافت تاریخی کلان شهر تبریز در جهت ارتقای دانش نظری در حوزه معاصر سازی، می توان به یک مدل نظریه ای در این راستا دست یافت. از روش پرامتی برای تحلیل بهره گرفته شده است. برای اینکه بتوان مؤلفه های چندگانه دخیل در فرآیند تحقیق حاضر را به شیوه مناسبی اولویت بندی کرد، استفاده از یک تکنیک بسیار قوی که بتواند تصمیم گیرنده را در امر تصمیم گیری یاری نماید کاملاً ضروری است. یکی از این تکنیک ها روش PROMETHEE است، که از جامع ترین سیستم های تصمیم گیری با معیارهای چندگانه می باشد و در آن برای تعیین اهمیت نسبی هر یک از مؤلفه ها و زیرمجموعه های آن از دیدگاه نخبگان، از پرسشنامه و تحقیقات میدانی استفاده شده است. هالوانی^۱ و همکاران (۲۰۰۹) بیان می کنند که روش های پرامتی، شامل PROMETHEE-I (رتبه بندی جزئی) و PROMETHEE-II (رتبه بندی کامل)، توسط برنز در سال ۱۹۸۲ توسعه یافته است. امکانات نرم افزاری که به صورت پشتیبان برای این روش فراهم شده است تحلیل های بسیار مناسبی را برای تصمیم گیرنده مهیا می سازد. هنگامی که روش پرامتی ۱ در رتبه بندی بعضی گزینه ها ناتوان باشد از پرامتی ۲ استفاده می شود. جریان ترجیحات به منظور منظم کردن نتایج مقایسات زوجی و رتبه بندی گزینه ها است و در سه نوع مختلف جریان ترجیحات وجود دارد:

Phi+ جریانی مثبت است و میزان ارجحیت a نسبت به n-1 گزینه دیگر را بررسی می کند این در واقع میزان قدرت گزینه a می باشد هر چه قدرت Phi+ بیشتر باشد گزینه a بهتر است.

$$\phi^+(a) = \frac{1}{n-1} \sum_{x \in A} \pi(a, x),$$

Phi- جریانی منفی است و میزان ارجحیت n-1 گزینه دیگر را نسبت به گزینه a بررسی می کند این در واقع میزان ضعف گزینه a می باشد هر چه قدرت Phi- کمتر باشد گزینه a بهتر است.

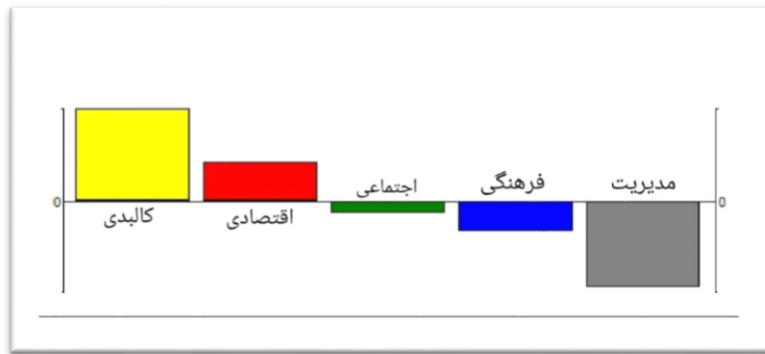
$$\phi^-(a) = \frac{1}{n-1} \sum_{x \in A} \pi(x, a)$$

Phi جریانی خالص است و بیانگر مقادیر جریان مثبت و منفی به صورت هم زمان می باشد هر چه قدرت Phi بیشتر باشد گزینه a بهتر است.

$$\emptyset(a) = \emptyset^+(a) - \emptyset^-(a)$$

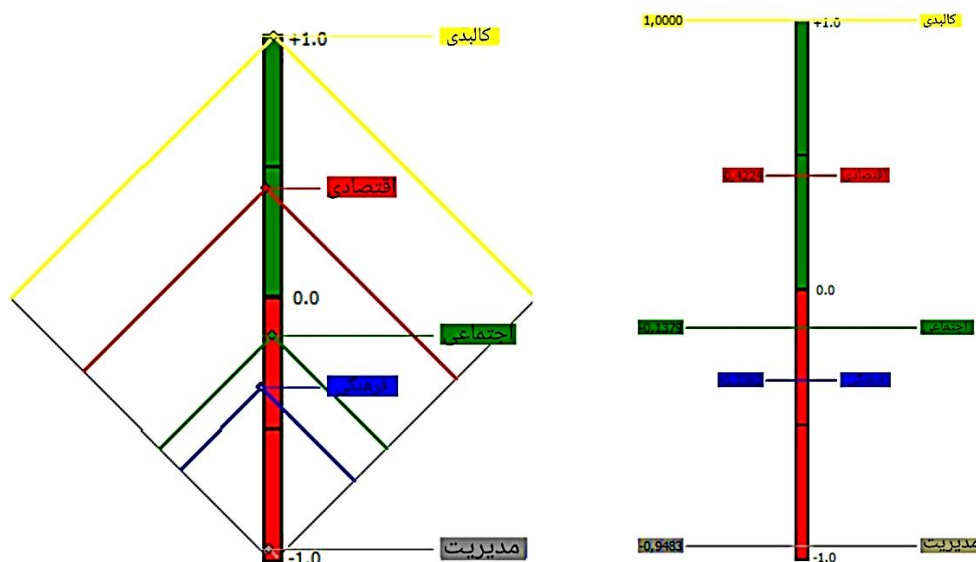
تحلیل پرومیتی در پایان ارزیابی خود از مؤلفه های مؤثر، اولویت بندی گزینه ها را در قالب نمودار Walking weights با درجه تغییر مثبت یک تا منفی یک به نمایش می گذارد و رتبه های یک تا پنج را به صورت گرافیکی در اختیار محقق قرار می دهد.

¹ Halvani



شکل ۶. اولویت‌بندی مؤلفه‌ها از دیدگاه متخصصان بر اساس تحلیل پرامتی

نتایج حاصل از تحلیل Walking weights در روش پرامتی مؤلفه کالبدی را به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در معاصر سازی اولویت‌بندی کرده و صدر مؤلفه‌های دیگر قرار داده است، همچنین مؤلفه اقتصادی به‌عنوان اولویت دوم و مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و درنهایت مدیریتی به ترتیب اولویت‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. درنهایت برای اینکه نشان دهیم از مجموع پنج مؤلفه مؤثر، کدامیک به امتیاز +۱ که ایده‌آل‌ترین حالت - با توجه وزن شاخص‌ها - برای اولویت‌بندی مؤلفه‌ها است، نزدیک‌تر می‌باشد، از تحلیل الماس و رنکینگ استفاده شده است. از پنج مؤلفه مورد بررسی، دو مؤلفه ارزش بالای صفر و سه مؤلفه حائز ارزش پایین‌تر از صفر گردیده‌اند، رنکینگ اولویت اول مؤلفه کالبدی با کسب ارزش +۱,۰ مهم‌ترین مؤلفه نسبت به مؤلفه‌های دیگر می‌باشد. اولویت‌های دوم مؤلفه اقتصادی نیز بالاتر از صفر بوده و مؤلفه‌های سوم و چهارم با اختلاف کمتر از همدیگر، اما با اختلاف نسبتاً زیاد از اولویت اول و دوم قرار گرفته‌اند، باین‌حال بالاتر از مؤلفه مدیریتی قرار دارند. همچنین تحلیل رنکینگ ضمن ارائه جایگاه هر یک مؤلفه‌ها در نمودار، ارزش نسبی هر کدام را نسبت به صفر و سایر مؤلفه‌ها به نمایش می‌گذارد.



شکل ۷. تحلیل رنکینگ و الماس مؤلفه‌ها از دیدگاه متخصصان

درنهایت از پنج مؤلفه ارزیابی‌شده در تحلیل پرامتی، مؤلفه کالبدی اول، مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی به ترتیب، دوم تا پنجم اولویت‌بندی شده‌اند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد Phi در واقع بیانگر مقادیر جریان مثبت و منفی تحلیل

پرومتی به صورت هم‌زمان بوده و هر چه قدر Phi بیشتر باشد گزینه ارجح‌تر است. در جدول شماره ۱۱ نتیجه و اولویت‌بندی نهایی مؤلفه‌ها در تحقیق حاضر ارائه شده است.

جدول ۶

اولویت‌بندی مؤلفه‌ها برحسب ارزش Phi در تحلیل پرامتی

اولویت	گزینه	Phi+	Phi-	Phi
۱	کالبدی	۱/۰۰۰۰	-۱/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰
۲	اقتصادی	۰/۶۹۸۳	-۰/۲۷۵۹	-۰/۴۲۲۴
۳	اجتماعی	۰/۴۳۱۰	-۰/۵۶۹۰	-۰/۱۳۷۹
۴	فرهنگی	۰/۳۱۰۳	-۰/۶۴۶۶	-۰/۳۳۶۲
۵	مدیریتی	۰/۰۱۷۲	-۰/۹۶۵۵	-۰/۹۴۸۳

ارزیابی مؤلفه‌های ارائه شده، به صورت مقایسه با همدیگر صورت گرفته و مؤلفه‌ها نسبت به هم اولویت‌بندی و ارزش‌گذاری شده‌اند. بنابراین با تعیین سهم هر یک از عوامل مؤثر در دگرذیسی فضاهای شهری بافت تاریخی کلان‌شهر تبریز در جهت ارتقای دانش نظری در حوزه معاصر سازی، می‌توان گفت که اول بودن رتبه مؤلفه در اولویت‌بندی دلیل بر ارزش و امتیاز کامل آن مؤلفه نبوده بلکه در بررسی نسبت به سایر مؤلفه‌ها حائز این رتبه و اولویت گردیده است و به عبارت دیگر مجموع پنج مؤلفه در ارتباط تنگاتنگ باهم اما با ضرایب تأثیر متفاوت از هم، روی معاصر سازی در این تحقیق مؤثر خواهند بود.

نتیجه‌گیری

بافت‌های تاریخی شهرها از دگرذیسی‌هایی که در عرصه شهرها در قالب تغییرات کالبدی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی اتفاق می‌افتد، نمی‌توانند جدا بمانند و این دگرذیسی در این بافت‌ها به دلایل مختلفی باید سریع‌تر صورت پذیرد، تا فضاهای مرکزی شهر اهمیت و کیفیت خود را از دست نداده و تعامل میان مردم شهر و بافت تاریخی تضعیف نشود و احیاناً رو به کاهش نگذارد. با توجه به اینکه بافت تاریخی شهرها در موارد زیادی پاسخگوی نیازهای امروزی شهرها نمی‌باشد و رها کردن این بافت‌ها با مجموعه‌های ارزشمند تاریخی و فرهنگی که در دل خود نهان دارند، تبعات جبران‌ناپذیری در آینده به همراه خواهند داشت، در حالیکه به نظر می‌رسد ارتقای کیفیت کالبدی و زیستی، بهبود کیفیات فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی و مدیریتی بافت، با بهره‌گیری از نیروی متخصص طراحی و برنامه‌ریزی شهری در امر معاصر سازی بافت تاریخی و کمک به انسان مدار کردن فضاهای شهری در گرو بکارگیری عوامل مداخله‌گری است که بتوانند رویکردی را اتخاذ کنند که بافت‌های تاریخی شهری را قادر به ارائه راحت‌تر خدمات نوین و همچنین انسان‌مداری و توسعه سلامت فعالیت‌های انسانی را در این بافت‌ها احیاء کنند. این پژوهش، نقش عوامل مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی را در جریان دگرذیسی فضاهای شهری بافت تاریخی- فرهنگی کلان‌شهر تبریز، با تأکید بر حفظ هویت مورد تحلیل قرار می‌دهد، برای هر کدام از مؤلفه‌ها، بر پایه پاسخ جامعه آماری گزینش شده‌ای از خبرگان، بر اساس تکنیک دلفی شاخص‌هایی در نظر گرفته شد. عمل پردازش داده‌های حاصل از پرسشنامه، با استفاده از نرم‌افزارهای آماری در قالب آزمون‌های گالوموگراف اسمیرونف و آزمون دوربین- واتسون انجام گرفت و جهت رتبه‌بندی مؤلفه‌ها از تحلیل رنکینگ و الماس بر اساس روش پرامتی استفاده گردید، نتایج حاصل نشانگر آن است که :

- بین همه مؤلفه‌های تعیین‌کننده معاصر سازی با دگرذیسی فضاهای شهری بافت تاریخی کلان‌شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین اهداف معاصر سازی باید براساس تطبیق هم‌زمان بافت کالبدی با ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه شهری تنظیم شود.

- مؤلفه‌های کالبدی و اقتصادی در اولویت‌های اول و دوم در فرآیند معاصر سازی بافت‌های تاریخی مؤثر بوده و در نمونه‌های برجسته معاصر سازی شهری، زمینه کالبدی است که در ارتباط و استقرار حال و آینده را نشان می‌دهد و معاصر سازی از طریق عوامل اقتصادی و اجتماعی محلی، شخصیت و ویژگی پایدار و دائمی پیدا کرده و منجر به بازسازی هویت شهری می‌شود هویت شهری وجه تمایز یک شهر از شهر دیگر است و در نظر گرفتن یک شهر بدون هویت متعلق به خودش امکان پذیر نیست. قاعدتاً حل چالش بین هویت و معاصر سازی بافت‌های تاریخی بدون در نظر گرفتن فرآیند هویت سازی و لایه‌های معنایی آن امکان پذیر نیست و با

محافظت از تاریخ یک شهر تنها به گذشته تکیه نمی شود بلکه پیوندی بین زمان حال و آینده ایجاد می شود. همه مؤلفه های برآمده از زمینه های اجتماعی، اقتصادی کالبدی و فرهنگی شهر به شرط تداوم می تواند هویت ساز باشد.

- مؤلفه های سوم و چهارم و پنجم (مؤلفه های اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی) با اختلاف کمتر از هم دیگر قرار دارند، این مسأله نشانگر آن است که مجموع پنج مؤلفه در ارتباط تنگاتنگ باهم اما با ضرایب تاثیر متفاوت از هم، روی معاصر سازی موثر هستند و بسط و توسعه همزمان عوامل کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی در این خصوص نقش مهمی بازی می کند. بنابراین، معاصر سازی بافت تاریخی کلانشهر تبریز شامل آرایش های ساده، طراحی مجدد یا تکمیل فضاهای شهری موجود خواهد بود و برنامه معاصر سازی باید براساس تحلیل تفصیلی از شرایط منطقه تاریخی- فرهنگی پایه ریزی شود.

پیشنهادهای راهبردی در حیطه مؤلفه کالبدی

بررسی موانع معاصر سازی بافت های تاریخی، شناسنامه دار کردن ابنیه و آثار تاریخی موجود در بافت جهت جلوگیری از تخریب احتمالی توسط مالکین و یا آسیب دیدن آثار مورد نظر و انجام اقدامات مرمتی مورد نیاز، تنظیم و تعادل بخشی به تراکم های ارتفاعی ساختمان های جدید در بافت با ایجاد محدودیت های ارتفاعی با توجه به متغیرهایی از جمله تراکم جمعیت، وضعیت شبکه معابر، ساختمان های همجوار، حفظ و تقویت کاربری مسکونی به عنوان کاربری غالب بافت تاریخی کلانشهر تبریز و حذف کاربری های ناسازگار مانند واحدهای کارگاهی مزاحم، انباری های تجاری، تعمیرگاه ها و ... از بافت مسکونی و مخصوصاً پیرامون بناهای باارزش تاریخی، ایجاد عملکردهای مناسب با قابلیت تطبیق پذیری بالا جهت استفاده های معاصر در زمین های خالی بافت مورد نظر.

پیشنهادهای راهبردی در حیطه مؤلفه اقتصادی

ارائه راهکارهای تشویقی (مالی، اعتباری و تسهیلاتی) به مالکان و سرمایه گذاران بافت تاریخی جهت نوسازی، بهسازی و مرمت ساختمان واجد ارزش تاریخی و نگهداری، جذب منابع مالی و انسانی با استفاده از مشارکت های بخش دولتی، عمومی، خصوصی و مردم نهاد (ساکنان و شاغلان) به منظور تمرکز این منابع، جهت حل حادترین و فوری ترین مسائل محلات بافت، اصلاح قانون مالکیت اراضی واقع در بافت به منظور تسهیل تملک و آزادسازی اراضی واقع در طرح های دولتی، تزریق محتوای جدید در اشکال قدیم بافت به منظور سرزندگی اقتصادی.

پیشنهادهای راهبردی در حیطه مؤلفه اجتماعی

ارتقاء کیفیت زندگی در بافت تاریخی برای افزایش تمایل به سکونت ساکنان محلات در جهت کاهش پدیده مهاجرت از طریق خدمات رسانی و افزایش روحیه مشارکت ساکنان بافت تاریخی، بهره گیری از انسجام اجتماعی- فرهنگی شکل گرفته در محدوده بازار تبریز برای ارتقای سرمایه اجتماعی در بافت تاریخی فرهنگی تبریز، حمایت از تشکیل سازمانهای مردم نهاد در بافت تاریخی- فرهنگی به منظور انتقال یافته ها به مسئولان و مدیریت شهری و رفع مسائل و مشکلات مورد نظر ساکنان و توجه به تاثیر آنها در تصمیمات اتخاذ شده.

پیشنهادهای راهبردی در حیطه مؤلفه فرهنگی

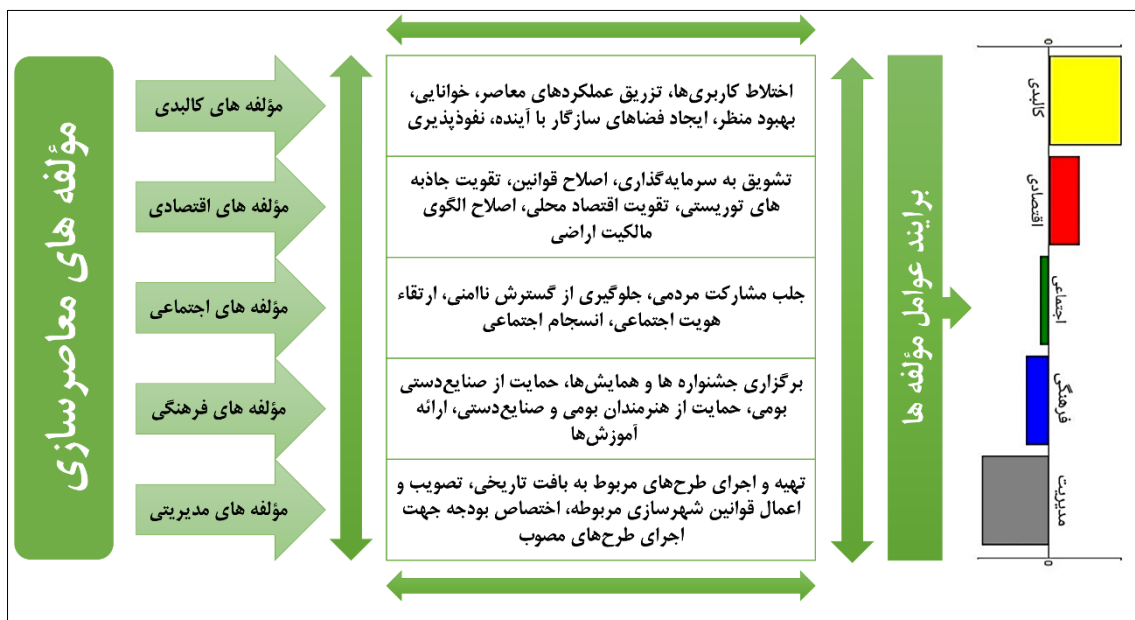
ظرفیت سازی فرهنگی و آگاهی بخشی، اعتماد سازی و هویت بخشی به محلات بافت در تعامل با فرهنگ بومی منطقه تاریخی- فرهنگی، شناساندن نقش هویتی، تاریخی و فرهنگی بافت به شهروندان به منظور توجه هرچه بیشتر به شناسنامه و گذشته شهر، تبیین نقش محلات به تفکیک نوع و فعالیتهای جاذب توریست از قبیل مرکز عرضه صنایع دستی، مرکز فعالیتهای هنری و جشنواره ها، مراسم مذهبی و ... به شهروندان و گردشگران، حمایت هرچه بیشتر از مراکز فرهنگی- هنری بافت و ارائه امکانات و تسهیلات بیشتر توسط متولیان امر، حمایت هرچه بیشتر از مراکز فرهنگی- هنری بافت و ارائه امکانات و تسهیلات بیشتر توسط متولیان امر.

پیشنهادهای راهبردی در حیطه مؤلفه مدیریتی

احیای بافت تاریخی با رویکرد توانمندسازی ساکنان اصلی آن در جهت مرمت واحدهای مسکونی قابل نگهداری و ایجاد تمایل به سکونت آنها در بافت، برقراری انسجام و هماهنگی لازم بین کلیه دستگاه های نظارتی و اجرایی دخیل در محدوده تاریخی- فرهنگی،

ایجاد جایگاه مدیریت یکپارچه بافت تاریخی_ فرهنگی در چارچوب سیاستهای مشخص، رعایت کلیه حقوق و منافع مالکان و سرمایه گذاران در تدوین و اصلاح قوانین مربوط به بافت تاریخی، ارتقای کیفی مطالعات و اقدامات اجرایی در حوزه حفاظت، مرمت و احیاء و معاصر سازی بافت تاریخی.

در مقایسه پژوهش حاضر با تحقیقات انجام گرفته توسط محققان در این راستا که در پژوهش حاضر از آنها سخن به میان آمده، می توان اذعان داشت، مطالعات ذکر شده عمدتاً یا با رویکرد معاصر سازی مدرنیستی (کالبدمحور) بدون توجه به تاریخ و هویت بافت صورت گرفته و تداوم تاریخی بافت و وابستگی به ذهن انسانی کم رنگ شده که در آن بافت های نوسازی شده فاقد هویت شهری قابل قبول و همراه با عدم تعهد در مشارکت و مسئولیت، چرخه نادرستی که در آن عدم ثبات ترکیب اجتماعی و کاهش زمان سکونت در بافت شده است و یا با تأکید افراطی بر تأثیر هویت در بافت های تاریخی که از نتایج مطالعات اجتماعی انجام شده است، این عامل برجسته شده که در آن تطابق تغییرات و نیازهای جدید شهری مغفول مانده است. در حالی که معاصر سازی بافت های تاریخی فرآیندی حساس و پیچیده است که نیاز به طراحی استراتژی ها و راهکارهای هدفمند دارد که جز از طریق مطالعه ابعاد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در بافت میسر نخواهد بود. پژوهش حاضر سعی دارد تا از طریق بهره مندی از هم افزایی منابع و فرصت ها و توجه به ارزش ها و ثروت های فرهنگی و تاریخی شهرها و تخصیص منابع لازم برای این امر، جایگزینی مناسب نسبت به برنامه های قبلی باشد.



شکل ۸. نمودار نتیجه گیری حاصله از پژوهش

منابع

- آزرم، زهرا؛ رنجبر، احسان و مارتی کازانواس، میکلا. (۱۳۹۸). کندوکاوی در ماهیت دگرگونی فضاهای شهری در شهرهای تاریخی ایران، مورد مطالعه: شهر اصفهان. *باغ نظر*، ۱۶(۷۳)، ۳۹-۴۰.
- ایزدی، سعید. (۱۳۸۰). بررسی تجارب مرمت شهری در ایران با تأکید بر تحولات دو دهه اخیر. *هفت شهر*، ۱(۳)، ۳۲-۴۲.
- ایزدی، سعید. (۱۳۸۷). یک مطالعه در مورد بازسازی مرکز شهر، *تحلیل مقایسه ای از دو روش مختلف، ایجاد یک رویکرد متعادل و برخورد مناسب با محیط تاریخی برای احیای مراکز تاریخی شهر در ایران*. رساله دکتری معماری، دانشگاه نیوکاسل انگلستان، دانشکده معماری.
- بحرینی، حسین؛ ایزدی، محمدسعید و مفیدی، مهرانوش. (۱۳۹۳). رویکردها و سیاست های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). *مطالعات شهری*، ۳(۹)، ۱۷-۳۰.
- پامیر، سای. (۱۳۹۴). *آفرینش مرکز شهری سرزنده: اصول طراحی شهری و بازآفرینی*. مترجمین: مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۴). ارزش های محله تاریخی و معیارهای تغییر در آن از نظر ساکنین. *باغ نظر*، (۳۵): ۳۹-۵۲.

- تایسدل، استیون و تیم هیث، تتراک. (۱۳۹۵). *باززنده سازی شهری "رویکردی به محله‌های تاریخی"*. مترجمین: کرامت الله زیاری و قهرمان رستمی. تهران: آراد کتاب: کهکشان دانش.
- جهانبگلو، رامین. (۱۳۹۴). *مدرن‌ها*. چاپ پنجم. تهران: مرکز.
- جهانبگیر، منصور. (۱۳۸۵). *قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دوران
- حبیبی، محسن. (۱۳۹۴). *دگردیسی و پایایی شهر و مفهوم آن*. صفحه ۲۵ (۶۸)، ۳۵-۴۶.
- حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه. (۱۳۸۹). *مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع نامه های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری*. تهران: دانشگاه تهران.
- حناچی، پیروز؛ دیا، داراب و مهدوی نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۶). *حفاظت و توسعه در ایران، تجزیه و تحلیل تجارب مرمت در بافت‌های باارزش شهرهای تاریخی ایران*. هنرهای زیبا، (۳۲)، ۶۰-۵۱.
- سرای، حسن. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سیلویواس، موتال. (۲۰۱۷). *آینده‌ی شهرهای تاریخی، تجربه یک عمل‌گرا*. مترجم: سید عبدالرضا هاشمی. (۱۳۹۶)، *احیاء بناها و بافت‌های تاریخی*. (۱)، ۶۲-۵۴.
- شهر آئینی، سید مصطفی. (۱۳۹۷). *در جستجوی امر قدسی، گفتگوی رامین جهانبگلو با سیدحسین نصر*. چاپ دوم. تهران: نی.
- طاهرخانی، حبیب؛ متوسلی، محمد. (۱۳۸۵). *مدیریت بافت تاریخی شهرهای ایران (چالش‌ها و راهبردها)*. مدیریت شهری، (۱۸)، ۱۰۷-۹۶.
- عزیزی، محمدمهدی؛ آراسته، مجتبی. (۱۳۸۹). *ارزیابی موفقیت طرح‌های تجمیع در بافت تاریخی شهر یزد نمونه موردی مجموعه‌های مسکونی نفت خام و خاتم*. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، (۵)۲، ۲۸-۱.
- فرخ زنوزی، عباس. (۱۳۸۰). *ضرورت نوزایی شهری*. هفت شهر، (۴)۱، ۱۵-۶.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۴). *سیری در تجارب مرمت شهری از ونیز تا شیراز*. چاپ دوم. تهران: نشر فضا.
- فیلدن، برناردملشیور؛ بوکلیتو، یوکا. (۲۰۰۳). *رهنمودهای مدیریت برای محوطه‌های میراث فرهنگی جهان*. مترجمان: هوشنگ انصاری و سوسن چراغچی. (۱۳۸۲). تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری.
- قلعه نویی، محمد؛ کلانتری، مائده. (۱۳۹۲). *بررسی تغییر نقش مسجدجامع عتیق در ساختار شهری اصفهان در گذر زمان*. *مطالعات شهر ایرانی-اسلامی*، (۱۱)، ۲۷-۱۷.
- لاک، جان؛ پییتسون، پرینگل. (۲۰۱۳). *جستاری در فهم بشر*. ترجمه رضازاده شفق. (۱۳۹۰)، چاپ دوم. تهران: شفیعی.
- لطفی، سهند. (۱۳۹۱). *تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی*. تهران: آذرخش.
- مشاورین نقش محیط. (۱۳۹۵). *طرح جامع شهر تبریز*. وزارت راه و شهرسازی، اداره کل راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی.
- میینی دهکردی، علی. (۱۳۹۰). *معرفی طرح‌ها و مدل‌ها در روش تحقیق آمیخته*. راهبرد _ مرکز تحقیقات استراتژیک. مجمع تشخیص مصلحت نظام ۲۰، ۲۱۷-۲۳۴.
- مهدی‌زاده، جواد. (۱۳۸۰). *نظری اجمالی به ساماندهی مرکز شهر تهران*. هفت شهر، (۳)۱، ۶۹-۵۹.
- ناظمی، امیر؛ کاشانی، حامد؛ خزایی، سعید؛ علیزاده، عزیز و حیدری، امیر هوشنگ. (۱۳۹۴). *مبانی آینده‌پژوهی و روش‌های آن*. مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور. تهران.
- نایرین، سابین؛ دگروس، آگلا و مدنی پور، علی. (۲۰۱۳). *فضای عمومی و چالش‌های دگرگونی شهری در اروپا*. مترجمین: احسان رنجبر و زهرا آزر. (۱۳۹۱)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- نصیری نیا، پیمان؛ حجت، عیسی. (۱۳۹۵). *تأملی در تحولات ساختاری معاصر شهر تبریز و تأثیر آن بر هویت شهر*. هنرهای زیبا. (۱)، ۲۱-۵۴.
- نقی زاده، محمدعلی. (۱۳۹۳). *هویت شهر (مبانی، مؤلفه‌ها و جلوه‌ها)*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- وزارت مسکن و شهرسازی و شرکت عمران و بهسازی شهری. (۱۳۸۲). *ضرورت، اهداف، برنامه‌ها و اقدامات ساماندهی و بهسازی بافت شهری*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، (۵)، ۳۲-۲۰.

References

- Ashworth, G. J., Tunbridge, J. E., (2000). *The Tourist, Historic City Respect & Prospect of managing the heritage city*, Pergamon, RYAN & PAGE, Oxford.
- Azizi, Mohammad Mehdi; Arasteh, Mojtaba. (۲۰۱۰). Evaluating the success of consolidation projects in the historical context of Yazd city. A case study of crude oil and Khatam residential complexes. *Urban and Regional Studies and Research*, 2 (5), 28-1. (in Persian)

- Azram, Zahra; Ranjbar, Ehsan and Marty Casanovas, Mikel. (2019). Exploration on the nature of urban space transformation in historical cities of Iran, studied: Isfahan. *Bagh-e Nazar*, 16 (73), 40-29. (in Persian)
- Bahraini, Hussein; Izadi, Mohammad Saeed and Mofidi, Mehranush. (2014). Approaches and policies of urban renewal (from reconstruction to sustainable urban regeneration). *Urban Studies*, 3 (9), 17-30. (in Persian)
- Bianchini, F., & Parkinson, M. (1993). *Cultural Policy and Urban Regeneration: The West European Experience*.
- Bird, J., Curtis, B., Putnam, T., & Tickner, L. (eds) (1993). *Making the Futures*.
- Cagla, H. & İnam, S. (2008). *A Study on the Urban Transformation Project Format Done By the Leadership of the Local Government in Turkey*. Integrating the Generations FIG Working Week. Available from: https://www.fig.net/resources/.../fig.../fig2008/papers/.../ts02e_05_cagla_inam_2805.pdf. (Accessed 12 May 2018)
- Conzen, M., R. G. (1966). *Historical townscapes in Britain : A problem in applied geography*. In Northern geographical essays in honor of G. H. J. Daysh, J. House (ed). Newcastle upon Tyne, UK: Oriol.
- David, G., Daffos, F. & Forestier, F. (2000). *Neuf mois avand lam 2000*, Paris: Esf Editeur.
- English Heritage. (2008). *Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of The Historic Environment*. London: English Heritage.
- Farrokh Zanozi, Abbas (2001). The need for urban renewal. *Haft Shahr*, 1 (4), 15-6. (in Persian)
- Fielden, Bernard Mellshiver; Yokilto, Yuka. (2003). *Management Guidelines for World Heritage Sites*, Translators: Houshang Ansari and Susan Cheraghchi Tehran: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization. (in Persian)
- Flamki, Mohammad Mansour (2005). *A tour of urban restoration experiences from Venice to Shiraz*. second edition. Tehran. Nasher Faza. (in Persian)
- Ghalea Noei, Mohammad; Kalantari, Maeda. (2013). Investigating the change in the role of the Atiq Mosque in the urban structure of Isfahan over time. *Iranian-Islamic city studies*, (11), 27-17. (in Persian)
- Gülersoy, Z., & Gürler, E. (2011). *Conceptual challenges on urban transformation*. ITU A|Z, 8 (1): 10-24.
- Habibi, Mohsen (2015). Metamorphosis and reliability of the city and its meaning. *Sofee*, 25 (68), 35-46. (in Persian)
- Habibi, Mohsen & Maghsoudi, Maliha. (2010). *Urban restoration: definitions, theories, experiences, global charters and resolutions, urban methods and practices*. Tehran: University of Tehran. (in Persian)
- Hanachi, Pirooz; Diba, Darab and Mahdavi Nejad, Mohammad Javad. (2007). Conservation and Development in Iran, Analysis of Restoration Experiences in Valuable Textures of Historic Cities of Iran. *Honarhaye Ziba*, (32), 60-51. (in Persian)
- Hsu Chia-Chien, Sandford Brian A. *The Delphi technique: making sense of consensus*. [Cite 2008 Oct 19]. Available from: <http://pareonline.net/pdf/v12n10.pdf>
- Izadi, M., S. (2008). *A study on citycenter Regenertion: A comparative analysis of two different approaches to the revitalization of historic city centers in Iran*, Newcastle University. (in Persian)
- Izadi, Saeed (2008) A study on the reconstruction of the city center, a comparative analysis of two different methods, creating a balanced approach and appropriate treatment of the historical environment to revive the city centers in Iran. PhD Thesis in Architecture, University of Newcastle, UK, School of Architecture. (in Persian)
- Izadi, Saeed (2001). A study of urban restoration experiences in Iran with emphasis on the developments of the last two decades. *Haft shahr*, 1 (3), 42-32. (in Persian)
- Jahanbegloo, Ramin (2015). *Moderns*. Fifth Edition. Tehran: Center. (in Persian)
- Jahangir, Mansour. (2006). *Law of the Fourth Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Doran. (in Persian)
- Johannesen, J-A., Olaisen, J., & Olsen, B. (1998). "The Philosophy of Science, Planning & Decision Theories", *Built Environment*, vol.24, nos.2-3pp.168-155
- Jokilehto, J. (1999). *A history of architectural conservation*. Oxford, UK: Butterworth-Heinemann.
- Kearns, Gerry & Philo, Chris. (eds) (1993). *Selling Pastas the Pastas Cultural Capital Past and Present*. Oxford: Pergamon Press.

- Keeney S, Hasson F, McKenna HP.(2001). A critical review of the Delphi technique as a research methodology for nursing. *Int J Nurs Stud* 2001 Apr; 38(2): 200-195.
- Kiruthiga, K., & Thirumaran,K. (2018). *Effects of urbanization on historical heritage buildings in Kumbakonam, Tamilnadu, India*, Department of Architecture, National Institute of Technology, Tiruchirappalli, India. Southeast University.
- Landry, C. (1995). *The Art of Regeneration: Urban Renewal through Cultural Activity*, Dem os.
- Lichfield, D. (2000). *The context of Urban Regeneration, in urban Regeneration Sage Publications Ltd.*
- Lotfi, Sahand. (2012). *the genealogy of urban regeneration from reconstruction to renaissance*. Tehran: Azarakhsh. (in Persian)
- Lock, John; Pattison, Pringle. (2013). *An Inquiry into Human Understanding*. Translated by Rezazadeh Shafaq, second edition. Tehran: Shafi'i. (in Persian)
- Madanipour, A., Knierbein, S. & Degros, A. (2013). *Public Space and the Challenges of Urban Transformation in Europe*, New York: Routledge.
- Mahdi Nejad J.,-E-Din, Azemati, H. Sadeghi Habib Abad A. (2018). *The Study and Necessity of Infill Development in Urban Planning and Management with an Approach to Preserve Historical Texture Values (Case Study: Tajrish Square)*, International Congress on Avant Garde Contemporary Architecture & Urbanism In Islamic Countries, Mashhad, May 2018.
- Middleton, C, & Freestone, P. (2008). *The Lmpact of Culture, led Regeneration on Regional Identity in North England, Prague Czech Repuplic*.
- Ministry of Housing & Urban Development and Urban Development and Improvement Company. (2003). *Necessity, goals, programs and measures for organizing and improving the urban fabric*, Tehran: Ministry of Housing and Urban Development, (5), 20-20. (in Persian)
- Mobini Dehkordi, Ali. (2011). *Introduction of plans and models in mixed research method, strategy_* Strategic Research Center. Expediency Council 60, 20. 217-234. (in Persian)
- Moshaverine Nagshe Mohet. (2016). *Comprehensive plan of Tabriz city*. Ministry of Roads and Urban Development, General Directorate of Roads and Urban Development of East Azerbaijan Province. (in Persian)
- Mehdizadeh, Javad. (2001). A brief overview of the organization of the center of Tehran, *Haft Shahr*, 1 (3), 69-59. (in Persian)
- Naghizadeh, Mohammad Ali (2014). *City identity (basics, components and effects)*. Tehran: Jihad Daneshgahi. (in Persian)
- Nairbin, Sabine; Degros, Agla & Madanipour, Ali. (2013). *Public space and the challenges of urban transformation in Europe*. Translators: Ehsan Ranjbar & Zahra Azram. (2012), Tehran: Tarbiat Modares University. (in Persian)
- Nasiri Nia, Peyman; Hojjat, Jesus. (2016). A reflection on the contemporary structural changes of Tabriz and its impact on the identity of the city, *Honarhaei Ziba*. 21. (1). 54-41. (in Persian)
- Nazemi, Amir; Kashani, Hamed; Khazaei, Saeed; Alizadeh, Aziz and Heidari, Amir Houshang. (2015). *Fundamentals of Future Research and its Methods*, Scientific Policy Research Center. Tehran. (in Persian)
- Pamir, Sai. (2015). *Creating a vibrant urban center: Principles of urban design and recreation*. Translators: Mostafa Behzadfar and Amir Shakibamanesh. Tehran: Iran University of Science and Technology. (in Persian)
- Pendlebury, J. (2005). The Modern Historic City: Evolving Ideas in Mid-20th-century Britain. *Journal of Urban Design*, 10 (2): 273-253.
- Poursarajian, Mahmoud (2015). The values of the historic neighborhood and the criteria for change in it from the point of view of the residents. *Bageh Nazar*, (35): 52-39. (in Persian)
- Prevel, Anais. (2006). *Paysage urbain, à la Centre d'étude sur les réseaux, les transports recherche dHune identité des lieux*.
- Quinn, B. (2005). Arts Festivals and the City, *urban studies*, vol. 42 , No.5-6,pp.943-927.
- Richards, G. & Palmer. R, (2010). *Eventful Cities: cultural Management & urban Revitalisation Elsevier*.
- Roberts, P., & Sykes, Hugh (2000). *Urban Regeneration: A Handbook*. London: Thousand Oaks, Calif.: Sage.
- Sarai, Hassan (2014). *Introduction to research sampling*. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Position). (in Persian)
- Shar aeni, Sayed Mustafa. (2018). *In Search of the Sacred, Ramin Jahanbegloo's Conversation with Seyed Hossein Nasr*, Second Edition. Tehran: Ney. (in Persian)

- Smith, M. (2007). *Tourism, Culture & Regeneration*, UK, Oxford, Cabi Press.
- Silvivas, Motal. (2017). The future of historic cities, the experience of a pragmatist. Translator: Seyed Abdolreza Hashemi., *Revival of historical buildings and textures*. (1), 62-54.
- Taherkhani, Habib and Motusali, Mohammad. (2006). Management of the historical context of Iranian cities (challenges and strategies). *Urban Management*, (18), 107-96. (in Persian)
- Tisdell, Steven & Tim Heath, Tenrak. (2016). *Urban Reconstruction "An Approach to Historic Neighborhoods"*. Translators: Keramatullah Ziari and Rostami's hero. Tehran: Arad Book: Kahkashaneh Danesh. (in Persian)
- Tiesdell, S., Taner, O. & Tim, H. (1996). *Revitalizing Historic Urban Quarters*. London: Architectural Press.
- Vehbi, B., O. & H., Sebnem. (2009). *A Model for Measuring the Sustainability Level of Historic Urban Quarters*. European Planning Studies.
Available from: www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09654310902778201.
- Yang, Yan. (2010). *Sustainable urban transformation driving forces, indicators and processes*. Doctoral dissertation. Zurich: ETH. Available from: <https://www.research-collection.ethz.ch/bitstream/handle/20.500.11850/152445/eth-2323-02.pdf> (Accessed 9 Nov 2018).